



مبانی تعاون

(رشتهٔ علوم اجتماعی)

دکتر حمید انصاری

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

فصل اول - کلیاتی درباره تعاون و همکاری‌های سنتی

۱	مفهوم واژه تعاون (همکاری)
۵	محور غالب همکاری در هر دوره و تأثیر وضعیت جامعه در آن
۷	شرایط لازم برای تحقق همکاری
۹	نوع بندی کلی همکاری‌ها
۱۱	ویژگی‌های همکاری‌های سنتی
۲۰	نمونه‌هایی از همکاری‌های سنتی در ایران و جهان
۲۶	سؤالات فصل اول

فصل دوم - همکاری‌های رسمی

۲۹	عناوین دیگر همکاری‌های رسمی
۳۰	رابطه همکاری‌های رسمی و سنتی
۳۱	ویژگی‌های تعاونی‌های رسمی یا شرکت تعاونی‌ها
۳۴	شکل‌گیری اولین تعاونی‌های رسمی در اروپا (شبه تعاونی‌ها)
۳۸	علل پیدایش تعاونی‌های رسمی
۴۳	ماهیت انقلاب صنعتی
۴۴	آثار انقلاب صنعتی در جامعه
۴۶	پیامدهای انقلاب صنعتی مؤثر در پیدایش تعاونی‌های رسمی
۵۸	اقداماتی که به منظور کاهش یا رفع مشکلات صورت گرفت
۶۳	سوسیالیست‌های تخیلی
۶۸	نظریه‌ها و فعالیت‌های متفکرین منتسب به سوسیالیست‌های تخیلی
۶۹	- رابرت اون
۷۷	- شارل فوریه
۸۲	- لوئی بلان

۸۸	تأثیرات نظریات اجتماعیون تعاون در پیدایش تعاونی‌ها
۹۰	سؤالات فصل دوم

فصل سوم - کارکرد تعاونی‌ها در جامعه

۹۳	مقدمه: زمینه سازهای کارکرد تعاونی‌ها
۹۶	کارکرد مشترک (عام یک کلی) تعاونی‌ها
۱۳۱	کارکردهای خاص (ویژه) تعاونی‌ها
۹۹	بررسی کارکرد خاص (یا ویژه) تعاونی
۱۰۲	مختصری درباره نقش ویژه تعاونی‌ها در کشورهای جهان سوم
۱۰۳	سؤالات فصل سوم

فصل چهارم - اصول تعاون

۱۰۵	۱. مقدمه
۱۰۶	۲. نقش اصول تعاون
۱۰۷	۳. سابقه پیدایش اصول تعاون
۱۱۱	۴. تطور و تحول اصول تعاون
۱۱۲	۵. ضرورت تطابق اصول تعاون با شرایط جامعه
۱۱۳	۶. اصول تعاون
۱۱۵	۱. تخصیص درصد معینی از سود شرکت برای ایجاد دهکده تعاونی
۱۱۵	۲. برخورداری کارمندان غیرعضو از منافع شرکت تعاونی
۱۱۶	۳. ایجاد واحدهای تولیدی و خدماتی در کنار تعاونی‌های مصرف
۱۱۸	- اصل عضویت داوطلبانه و آزاد در تعاونی
۱۲۳	- اصل اداره دموکراتیک تعاونی (مدیریت دموکراتیک)
۱۲۹	- اصل سود پرداخت محدود به سهام
۱۳۱	- اصل مازاد برگشتی
۱۳۵	- اصل عرضه کالاهای مرغوب
۱۳۶	- اصل نقد فروشی کالاها و خدمات
۱۳۷	- اصل تقبل آموزش
۱۳۸	- اصل بی‌طرفی سیاسی و مذهبی
۱۳۸	- اصل عدم قبول وکالت در مجامع عمومی
۱۳۹	- اصل عرضه کالاها و خدمات به متوسط قیمت بازار در تعاونی
۱۳۹	۷. تجدید نظر در اصول پیشنهادی گروه راجدیل
۱۴۴	سؤالات فصل چهارم

فصل پنجم - تعریف تعاونی رسمی

- ۱. هدف از تعریف
 - ۲. انواع تعریف:
 - الف) تعاریف نارسا (توصیف‌ها) از تعاونی
 - ب) تعاریف کامل (علمی) از تعاونی
 - سؤالات فصل پنجم
- ۱۴۹
- ۱۵۰
- ۱۵۰
- ۱۵۵
- ۱۶۳

فصل اول

کلیاتی درباره‌ی تعاون و همکاری‌های سنتی

هدف

در این فصل کلیاتی درباره‌ی همکاری ارائه می‌گردد و قصد بر این است که دانشجویان با مفهوم کلی تعاون آشنا شوند. و از آنجا که تحقق همکاری مستلزم وجود شرایطی است. شناخت این شرایط که شروط «لازم و کافی است» می‌باشد مورد نظر است. در عین حال محورهای مهم و اصلی تعاون، در طول زمان، که انسان‌ها گرد محور آنها با یکدیگر همکاری کرده و می‌کنند به دانشجو شناساند، می‌شود. در عین حال چون همکاری‌ها از گذشته‌های دور تا به امروز ثابت و یک شکل نمانده، درک این تغییرات و وجوه کلی این دگرگونی‌ها مورد نظر می‌باشد. ویژگی‌های همکاری‌های سنتی که ممیز این نوع همکاری از تعاون رسمی است، نیز در این فصل مورد گفتگو و شناخت قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم واژه‌ی تعاون (همکاری)

در اینجا قصد آن نیست که در بحث ریشه و ترکیب و مشتقات واژه‌ی تعاون وارد شویم، بلکه هدف این است که در حد لازم معنی و مفهومی را که از این واژه استفاده می‌شود بیان کنیم. لغت تعاون که از زبان عربی گرفته شده و معادل فارسی آن همکاری، به معنی یکدیگر را یاری کردن، به هم یاری رساندن، همدستی، یاری و دستگیری است^۱ که مفهوم مشارکت در یک امر و اقدام جمعی در جهت هدف

۱. دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی جلد ۱ (آ - خ) ص ۱۹۰۷

مشخص و معین را نیز می‌رساند. در این معنی همکاری یا تعاون تقریباً مترادف با کلماتی نظیر همیاری قرار می‌گیرد که واژه اخیر نیز مانند همکاری، کلمه‌ای ترکیبی است که از اضافه کردن پیشوند «هم» به «یاری» به‌دست آمده و معنی یاری‌رساندن به دیگران و در مقابل یاری‌گرفتن از آنها، و کمک متقابل را می‌رساند. بدین ترتیب در محتوی همکاری و همیاری و تعاون، جمع و خصلت جمعی بودن و روابط متقابل، به بیان دیگر کنش و واکنش متقابل در جهت کمک و حمایت متقابل به روشنی دیده می‌شود. لذا تعاون می‌تواند موجب ارتباط افراد یک جامعه و پیدایش روحیه برادری و نودوستی در بین آنها شود و از تفرق و تقابل و همچنین از خودخواهی و خودپرستی و بی‌توجهی به مسائل و منافع دیگران بکاهد. از این نظر همکاری و تعاون در نقطه مقابل مفهوم رقابت Competition قرار می‌گیرد که در آن فرد و فردیت نهفته است. به همین دلیل است که از رقابت، برخلاف همکاری، کوشش برای تحصیل نتایج فردی و مقابله با سایرین و سعی در عقب راندن سایر افراد فهمیده می‌شود^۱ واژه دیگری که از لحاظ مفهوم به همکاری نزدیک است، دیگریاری است که کمک کردن به دیگران بدون، داشتن انتظار کمک از کمک گیرنده و یا بدون تصور سهم و نفعی از امری که به کمک او انجام گرفته است را معنی می‌دهد بنابراین دیگریاری که صرفاً براساس خیرخواهی و انسان‌دوستی صورت می‌گیرد فاقد عنصر مشارکت در نفع و حاصل به‌دست آمده می‌باشد دیگریاری که صورت کامل و والای آن فداکاری و ایثار یعنی نادیده گرفتن خود و منافع و خواست‌های خود به نفع ارزش‌های عالی‌تر می‌باشد، نیز اثرات کاملاً مثبت و پایداری را در ایجاد همبستگی اجتماعی و وفاق گروهی دارا می‌باشد.

خودیاری در زبان فارسی واژه‌ای است نسبتاً جدید، معنی تحت‌اللفظی آن به خود یاری رساندن می‌تواند باشد، که تلویحاً جدائی از دیگران و بی‌توجهی به سایرین را معنی می‌دهد و در این معنی به مفهوم رقابت نزدیک‌تر می‌گردد. البته باید توجه داد که خودیاری در معنی لغوی آن به‌کار برده نمی‌شود.

کاربرد دوم و متداول، واژه خودیاری، با معنی همکاری و تعاون نزدیک می‌باشد

۱. در جای خود بحث جامعه‌شناسان همکاری و رقابت، خصوصیات هر یک و جای آنها در زندگی اجتماعی مطرح خواهد گردید.

و منظور از آن اقدامی است که گروهی از افراد و یا اعضای جامعه‌ای (که معمولاً جوامع کوچک و اکثراً روستاها موردنظر است) برای رفع مشکلات خود و یا به‌دست آوردن خدمات یا تسهیلات جدید بدان توسل می‌جویند. خودیاری در برداشت دوم عمده‌تاً در رابطه با طرح‌های نوسازی و ایجاد تسهیلات لازم در مناطق روستایی به‌کار برده می‌شود و منظور کمک مالی یا تأمین نیروی انسانی و یا... است که روستائیان در اختیار اجرای این نوع طرح‌ها قرار می‌دهند.

همکاری در جامعه به صورت‌های مختلف متجلی می‌گردد، مک ایور در کتاب خود به نام جامعه (The Society) ضمن اینکه همکاری را جزء جدائی‌ناپذیر زندگی انسانی می‌شمارد، آن را به دو شکل و نوع متفاوت تقسیم می‌کند.

الف) همکاری مستقیم، منظور مشارکتی است که گروهی از افراد در یک امر یا فعالیت واحد و مشابه انجام می‌دهند نظیر بازی، نمایش، فعالیت‌های تولیدی (زراعی یا نیمه زراعی) که در این نوع همکاری ارتباط مستقیم بین افراد همکاری‌کننده و بهره‌برداری مستقیم از فعالیتی که انجام می‌شود، وجود دارد.

ب) همکاری غیرمستقیم، عبارت از فعالیتی است که افراد در امور یا فعالیت‌های متعدد و متفاوت و طبعاً غیرمشابه صورت می‌دهند. در همکاری غیرمستقیم برخلاف شکل مستقیم آن افراد همکاری‌کننده ارتباط بی‌واسطه در فعالیت و همچنین بهره‌وری مستقیم از حاصل کار یکدیگر ندارند بلکه از نتایج غایی و نهایی فعالیت‌های مستقل و متفاوت یکدیگر متمتع می‌شوند. تقسیم کار بارزترین و گویاترین نمونه همکاری‌های غیرمستقیم است که در فعالیت‌های کشاورزی و به‌خصوص صنعتی و در خانواده و... مشاهده می‌شود. جوامع سنتی و روستایی بیشتر بر پایه همکاری‌های مستقیم استوار هستند، در حالی که در اجتماعات غیرسنتی و پیشرفته از نظر تکنولوژیک عمده‌تاً همکاری‌های غیرمستقیم مشاهده می‌شوند.

آنچه که در این بحث مورد نظر و توجه ما است، همکاری‌های مستقیم است که در همه، جوامع، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه هنوز هم به‌صورت‌های مختلف و بسیار متنوع در شهر و به‌ویژه در روستاها محور بسیاری فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.

همکاری‌های مستقیم، همیشه با هدف و منظور خاصی صورت می‌گیرد، اهداف

کلی همکاری‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف) عملی ساختن کارهایی که به صورت فردی غیرممکن و نشدنی هستند.

ب) تسهیل اموری که به صورت فردی نیز انجام دادن آنها ممکن است.

هسه آلبرز در دو مورد فوق چنین می‌گوید «همکاری توانایی‌های انسان را چند برابر می‌کند، کاری را که یک نفر نمی‌تواند انجام دهد، دو نفر انجام خواهند داد و کاری را که توسط یک نفر عملی می‌باشد، دو نفر بهتر و ساده‌تر عملی خواهند کرد».

ج) صرفه‌جویی در مصرف وقت، پول، انرژی و... در مورد فعالیت‌هایی که انجام آنها به صورت فردی باعث بالا رفتن هزینه، صرف وقت بیشتر و یا به کار بردن انرژی زیادتر می‌گردد.

تعاون و همکاری با کاربردهای کلی و وسیع اشاره شده در بالا پدیده جدیدی نبوده و دارای سابقه بسیار طولانی است و در دوره‌های مختلف زندگی انسان همیشه به عنوان راه و وسیله مناسبی برای رفع مشکلات و حل مسائل که او در مقابل خود داشته است، مورد استفاده او قرار گرفته و در آینده نیز از آن سود خواهد برد.

پیدا می‌کنند و می‌توانند محور اصلی همکاری‌ها قرار گیرند، عبارتند از:

الف) همکاری فیزیکی، یا توانایی بدنی افراد، برای انجام کارهای مختلف اعضای یک گروه با به هم افزودن نیروی فیزیکی خود قدرت انجام فعالیت‌های مشکل‌تر و سخت‌تر را می‌یابند.

ب) همکاری مالی و پولی، افراد امکانات کوچک و گاه ناچیز مالی خود را برای انجام امور پرهزینه و بزرگ بر هم انباشته می‌کنند و در نتیجه موفق به انجام کاری می‌شوند که در شکل فردی امکان آن وجود نداشت.

نیروی فیزیکی (مورد الف) و توانایی مالی و پولی (مورد ب) دارای ویژگی‌های به قرار زیر هستند:

اول: ماهیتاً کمی می‌باشند و در نتیجه به راحتی قابل سنجش و اندازه‌گیری هستند مثلاً میزان پول هر فرد که برای هدف جمعی در اختیار گروه قرار می‌دهد کاملاً قابل شمارش است و قدرت توانایی انجام کار هر شخص نیز با کمک ابزار و وسایلی به راحتی به کمیت قابل اندازه‌گیری مبدل می‌شود.

دوم: به علت کمی بودن به سهولت بر هم اضافه شده و آثار و نتایج این برهم

افزوده شده، به‌روشنی عینیت می‌یابد به بیان ساده‌تر برهم نهادن امکان‌ات مالی و نیروی فیزیکی افراد برای همه اعضا گروه به‌راحتی قابل حس و درک می‌باشد و به خوبی می‌توانند آثار به‌دست آمده از آن را ببینند و با حالتی که همکاری صورت نمی‌گرفت مقایسه نمایند.

ج) همکاری ذهنی، در حقیقت نیروی فکری، قدرت خلاقه فردی است که در موارد خاص و شرایط ویژه‌ای می‌تواند برهم افزوده شود، این قابلیت برخلاف دو مورد قبلی، پدیده‌ای است، کاملاً کیفی که به‌سختی می‌توان برهم انباشتن و در قالب همکاری قرار گرفتن آن را حس کرد و نتایج آن را دید و مقایسه کرد. ممکن است کاربرد واژه‌ی همکاری یا تعاون برای بیان منظور فوق زیاد مصطلح و معمول نباشد، در این مورد عموماً از واژه‌های شور، مشورت و شورا استفاده می‌شود، زمانی که افرادی با یکدیگر مشورت می‌کنند، در حقیقت با برهم افزودن قدرت ذهن خود، بهترین راه حل را برای مسئله می‌یابند بنابراین مشورت همان امر برهم انباشتن نیروی فکری فردی اشخاص می‌باشد، و شورا قالب سازمانی و طرف اجرایی این امر است، که درعین حال نوعی تعاون بین انسان‌ها و محوری برای همکاری آنها می‌باشد.

محور غالب همکاری در هر دوره و تأثیر وضعیت جامعه در آن

تجربه و تحقیقات نشان داده است که شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی در اینکه کدامیک از قابلیت‌های فردی اشخاص محور همکاری و زمینه‌ساز همکاری آنها شود تعیین‌کننده می‌باشد. به بیان دیگر می‌توان گفت که محور اصلی همکاری‌ها، در دوره‌های مختلف تابعی است از شرایط زندگی به‌طوری که در دوران‌های قدیم و در جوامع بسیار ابتدایی و اجتماعات دارای تکنولوژی ساده، همکاری‌های عمدتاً از نوع همکاری‌های فیزیکی است، ضعف نسبی بدنی انسان، در مقایسه با وظایف سنگینی که به‌عهده او بوده است وی را اجباراً به همکاری با دیگران می‌کشانند در چنین جامعه‌ای امور زندگی و فعالیت‌های افراد بر روال مشخص و از قبل تعیین شده‌ای قرار دارد. افراد برای هر مسئله راه حل و برای هر کار روش شناخته شده و معینی می‌دانند، رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی و پدیده‌های ناآشنا به‌ندرت اتفاق می‌افتد و در نتیجه رویارویی کمتر با مسائل جدید که راه حل و شیوه تازه‌ای را می‌طلبند همکاری ذهنی

زمینه چندان گسترده‌ای برای ظهور و بروز ندارد. در اینگونه جوامع سنتی که پول نقش چشمگیری و جریان وسیعی در زندگی جامعه نیافته و مبادلات^۱ بیشتر پایاپای است و نیازها عمدتاً از امکانات محلی تأمین می‌گردد. همکاری مالی و پولی هم نمی‌توانند وسعت زیاد داشته باشد، ولی به تدریج با تغییر شرایط با کاربرد بیشتر تکنولوژی پیشرفته، و به خدمت گرفتن ابزار و ماشین‌های جدید توسط انسان و تسهیل امور و وظایف او ضرورت انجام همکاری‌های فیزیکی کاهش می‌یابد. در مقابل، دور شدن زندگی از، شکل سنتی که در آن همه روش‌ها مشخص و تمامی جواب‌ها از قبل پاسخ داده شده‌اند همکاری ذهنی (مشورت و تبادل نظر) را برای حل رویدادهای جدید ضرورت می‌بخشد و از سوی دیگر رواج پول و نیاز به آن برای انجام هر امری این نوع تعاون را نیز بیشتر به میدان زندگی واقعی وارد می‌سازد. لذا در جوامع غیرسنتی و جدید به تدریج از وزن و اهمیت همکاری‌های فیزیکی کاسته شده و جای خود را به همکاری‌های ذهنی و مالی می‌دهد.

البته توجه به این نکته ضروری است که در اینجا قصد ارتباط دادن انواع مختلف همکاری‌ها با شرایط و دوران‌های خاص، به‌طور کامل و بی‌چون و چرا نمی‌باشد، بلکه تأکید بر گسترش بیشتر یک نوع نسبت به سایر انواع مورد نظر است. در واقعیت زندگی معمولاً اشکال مختلف همکاری‌ها در کنار هم ولی با گسترش متفاوت مشاهده می‌گردند. در شرایط حاضر در جوامع غیرسنتی معمولاً سه محور ذکر شده همکاری، مکمل یکدیگرند و اکثراً در ترکیب با هم و با ترتیب خاصی به دنبال هم می‌آیند. مثلاً افراد و اعضای یک جامعه (معمولاً اجتماعات کوچک مثل روستا و شهرهای کوچک) با همکاری ذهنی (بحث و مشورت) مسائل و مشکلات خود را می‌شناسند و راه حل مناسب آن را می‌یابند و با تهیه و تأمین ملزومات آن از قبیل پول و ابزار و... (همکاری مالی و مادی) زمینه انجام آن را فراهم می‌سازند و بالاخره از طریق همکاری فیزیکی، عملاً به اجرای راه حل انتخاب شده می‌پردازند. این شکل مرکب همکاری عموماً در

۱. مبادلات اعم از مبادله کالا یا نیروی کار، که در مقابل کالا معاوضه می‌شود و کار نیز با کار مشابه و نسبتاً برابر جبران می‌شود، مثلاً یکی در شخم یا برداشت محصول دیگری کمک می‌دهد و متقابلاً به هنگام نیاز از او کمک دریافت می‌کند. بدین ترتیب خرید و فروش نیروی کار چندان رواج ندارد این شرایط خود زمینه را برای رواج بیشتر همکاری در کارها، یعنی همکاری فیزیکی هموارتر می‌سازد و این نوع همکاری را در جوامع سنتی به شکل غالب همکاری‌ها قرار می‌دهند.

ارتباط با برنامه‌های توسعه روستایی و طرح‌های عمران منطقه‌ای مطرح می‌شود و روستاییان به آن تشویق و ترغیب می‌گردند. این شکل همکاری، در حقیقت همان مسئله مشارکت روستاییان در برنامه‌های عمرانی است. بسیاری از متخصصین امر توسعه، براین اعتقادند که برنامه‌های توسعه، بدون جلب مشارکت گروه‌های ذینفع، شانس کمی برای موفقیت دارند. در این مجموعه همکاری (مشارکت) مهمترین آن همکاری ذهنی است که در شکل‌گیری و شدت و ضعف انواع دیگر همکاری‌ها مؤثر است. همکاری ذهنی که در برنامه‌های توسعه در شکل شناخت مسائل، کمبودها و مشکلات و یافتن مناسب‌ترین راه از میان برداشتن آنها در قالب جلسات بحث و گفتگو و مشاوره صورت می‌گیرد، باعث می‌گردد که افراد جامعه در جریان کامل برنامه قرار گیرند، با ضرورت اجرای آن کاملاً آشنا گردند، آثار و نتایج آن برایشان ملموس و قابل قبول گردد. در چنین وضعی طبیعی است که افراد همه امکانات خود را در اختیار پیشبرد اجرای طرح قرار دهند و بدین‌صورت اشکال دیگر مشارکت تقویت گردد. ناگفته نماند، برخلاف اشکال سنتی همکاری که در روستاها و در جوامع سنتی به وفور وجود دارد و به‌طور طبیعی و با سهولت جریان می‌یابد، همکاری‌ها و مشارکت‌هایی که در ارتباط با مسئله توسعه مطرح می‌باشد، برای مردم بومی پدیده‌ای جدید بوده و در نتیجه با آن ناآشنا می‌باشند و ترغیب و جذب آنها به آن امری مشکل و روندی پیچیده است که باید با دقت و حوصله و برنامه‌ریزی صحیح به‌وجود آید.

۳. شرایط لازم برای تحقق همکاری

همکاری‌ها هم‌مانند هر پدیده دیگر در شرایط و موقعیت خاصی ظاهر می‌شوند و توسعه می‌یابند. این شرایط و عوامل ظهور، بسیار متنوع و متعدد هستند، بعضی از آنها کوچک و جزئی‌اند که به موارد خاص مربوطند و عمومیت ندارند. در حالی که برخی دیگر از عوامل کلی بوده و در هر وضع و در هر جامعه‌ای حضورشان برای پیدایش همکاری‌ها ضروری است. این عوامل را شرایط لازم و کافی می‌نامیم، بدین معنی که وجود همه آنها لازم است و در صورتی که همه وجود داشته باشند برای حدوث همکاری کافی است و قطعاً همکاری اتفاق خواهد افتاد در این قسمت تنها به عوامل فوق اشاره می‌شود و سایر عواملی را که می‌توانند در توسعه و گسترش همکاری‌ها،

به‌ویژه در شکل شرکت‌های تعاونی مؤثر باشند^۱ به مباحث آینده واگذار می‌گردد. شرایط لازم و کافی برای پیدایش همکاری عبارتند از:

الف) حضور دو نفر یا بیشتر:

به‌طوری‌که قبلاً اشاره شده، در واژه‌ی همکاری و تعاون مفهوم جمع نهفته است. بدین ترتیب کاربرد واژه‌ی همکاری در مورد یک نفر معنی و مفهومی ندارند. همکاری زمانی شکل واقعیت به خود می‌گیرد که حداقل دو نفر یا بیشتر وجود داشته باشند و این افراد تشکیل یک گروه داده باشند. بنابراین اولین شرط لازم برای تحقق همکاری حضور یک گروه متشکل از بیش از دو نفر می‌باشد.

ب) وجود یک خواست مشترک:

تنها وجود شرط اول، یعنی حضور چند نفر، نمی‌تواند منجر به پیدایش همکاری در میان آنان گردد، ضمن اینکه وجود آن لازم است ولی کافی نمی‌باشد (شرط لازم است ولی کافی نیست). افراد گروه باید در یک وجه مشترک باشند این جنبه مشترک ممکن است یک نیاز باشد که به‌صورت جمعی اقدام به تأمین آن کنند و یا یک مشکل باشد که به‌طور گروهی به رفع آن پردازند و یا... بنابراین شرط لازم دوم را می‌توان به‌صورت یک نیاز یا مشکل و یا... مشترک بیان کرد.

ج) آگاهی نسبت به خواست مشترک:

همیشه وجود گروه و نیاز مشترک نمی‌تواند منتهی به همکاری بین افراد گردد. در کنار دو شرط فوق عامل سوم لازم است و آن اطلاع همه افراد گروه نسبت به خواست مشترک است. فقدان آگاهی از خواست مشترک گروه می‌تواند مانع و سدی در راه تحقق همکاری باشد. مثلاً بیسوادی در میان روستاییان یک روستا همه‌گیر است و باسواد شدن آنها به‌عنوان یک نیاز مشترک در این اجتماع کوچک وجود دارد، ولی تا زمانی که این افراد نسبت به این نقیصه آگاهی و اطلاع کامل پیدا نکرده‌اند و این احتیاج

۱. معمولاً در تشریح شرایط لازم برای توسعه تعاونی‌ها به عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و گاه اقلیمی جغرافیایی و... اشاره می‌شد که مربوط به بحث حاضر در این قسمت نمی‌باشد.

به صورت یک نیاز ملموس مشترک در نیامده است، مسلماً برای رفع آن هیچ اقدامی نخواهند کرد و طبعاً، همکاری در جهت رفع بیسوادی مثلاً برای احداث مدرسه، تأمین آموزگار و... صورت نخواهد گرفت. لذا باید آگاهی نسبت به مسئله مشترک (ملموس بودن نیاز) را نیز به عنوان سومین شرط پذیرفت. یادآوری این نکته ضروری است که پیدایش آگاهی، در مورد یک مسئله خاص در میان افراد یک گروه، همیشه همزمان و به طور یکنواخت ظاهر نمی‌شود. برخی زودتر و عمقی‌تر مشکل را درک می‌کنند، که این اشخاص را افراد پیشگام یا پیشرو می‌نامند که معمولاً عامل ترویج و توسعه آگاهی و دانش در میان جمع می‌باشند. نقش افراد پیشگام در نوآوری و تغییر بسیار مؤثر و مفید است. اینها می‌تواند مشوق و سازمانده همه افراد گروه برای همکاری در جهت رفع مشکل یا تأمین نیاز مشترک شوند.

د) اعتقاد به تعاون و همکاری به عنوان بهترین راه:

همگام با سه شرط فوق وجود شرط چهارمی نیز لازم است. چون معمولاً برای رسیدن به یک خواست مشترک راه‌های متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد، که یکی از آنها همکاری است و افراد باید بهترین، سهل‌ترین و مقرون به صرفه‌ترین طریقه را انتخاب کنند، چنانچه در میان راه‌های ممکن مطلوب‌ترین راه رسیدن به نیاز مشترک، همکاری تشخیص داده شد، قطعاً همکاری تحقق خواهد یافت، بنابراین وجود چهار شرط فوق را می‌توان به عنوان شروط لازم و کافی و یا جامع و مانع بازشناخت. بدین معنی که هرگاه تمام شروط فوق موجود باشند وقوع همکاری غیرقابل اجتناب است و چنانچه حتی یکی از این شروط غایب باشد، موجب می‌شود که همکاری اتفاق نیافتد.

۴. نوع‌بندی کلی همکاری‌ها

تجربیات روزمره انسان نشان می‌دهد که هر پدیده‌ای را می‌توان به انواع مختلف تقسیم کرد. مثلاً گیاهان به درختان، بوته‌ها و علف‌ها و هریک از آنها را به اقسام کوچکتري قابل تنوع (نوع‌بندی) هستند. تعاونی‌ها هم به انواع کلی تقسیم می‌شوند و هم به اشکال کوچکتر و مشخص‌تر، در اینجا مقصود ما تقسیم‌بندی جزئی و کوچک تعاونی (مثل تعاونی مصرف، تعاونی مسکن و... یا همکاری در شخم زمین، همکاری در

لایروبی قنات یا همکاری در جمع‌آوری و تبدیل شیر و... نیست، بلکه منظور یک تقسیم کلی و بزرگ از همکاری‌ها است.

بر این اساس همکاری‌ها به دو نوع کلی تقسیم می‌شوند:

الف) همکاری سنتی

ب) همکاری‌های رسمی (یا غیرسنتی یا شرکت‌های تعاونی)

الف) همکاری‌های سنتی

همکاری‌های سنتی، شکلی از تعاون هستند که از دیرباز در جوامع گوناگون برای حل مسائل و مشکلات موجود به کار گرفته شده است. این نوع همکاری که از گذشته‌های دور در میان انسان‌ها وجود داشته، تا زمانی که شرایط برای دوام و بقای آن مناسب است از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد. همکاری‌های سنتی به دوره و شرایط خاصی از زندگی بشر وابسته است و در آن دوره و شرایط مفید و مؤثر است و لذا در خارج از آن، چون کارکرد و اثر خود را از دست می‌دهند قابل دوام و بقا نمی‌باشند. در شکل سنتی زندگی انسان که اجتماعات به صورت یک اجتماع بزرگ و منسجم و پیوسته مشاهده نمی‌شوند، بلکه به صورت واحدهای کوچک و پراکنده و بی‌ارتباط و یا کم ارتباط قرار گرفته‌اند^۱ کلیه فعالیت‌ها هم به شکل سنتی انجام می‌پذیرد و نهادها و سازمان‌های مربوط به آنها هم سنتی و پراکنده می‌باشند. مثلاً سوادآموزی در واحدهای کوچک و پراکنده (از قبیل مکتب‌خانه) و بدون ارتباط با یکدیگر عملی می‌گردد و نوع و محتوی آموزش‌دهندگان، سن آموزش‌گیرندگان و... از یک واحد آموزشی به واحد دیگر متفاوت است. به همین ترتیب است نظام قضاوت که تخلف و خطایی در یک نقطه یک مکافات دارد و در منطقه دیگر جزایی دیگر، فعالیت‌ها در سازمان‌های

۱. صنعت جدید و وسایل ارتباطی جدید و پیشرفته موجب می‌شود که راه‌ها و فواصل نزدیک شده، تماس‌ها تسهیل گردد و مردم مناطق مختلف با هم ارتباط حاصل کنند و در نتیجه اطلاعات فرهنگ‌ها و دانش‌ها با هم برخورد کنند و تبادل فرهنگی صورت گیرد و انسجام و یک شکلی پدیدار گردد و در نتیجه واحدهای کوچک و مزوی و پراکنده جمعیتی به اجتماعات بزرگ و پیوسته تبدیل گردند. یکی از آثار مهم پیوستگی و انسجام جوامع شکل قوانین و مقررات است که در جوامع سنتی به صورت سنت‌ها و رسوم و مقررات نامکتوب ظاهر می‌شود. در حالی که در جوامع غیرسنتی و پیشرفته شکل قوانین وضعی و مکتوب و رسمی به خود می‌گیرد. آثار دیگر یک شکلی و تشابه در فعالیت‌های اقتصادی نوع تکنولوژی، شکل زندگی، نحوه تفکر، ارزش‌ها و به طور کلی یکسانی در فرهنگ جوامع می‌باشد.

اقتصادی و تولیدی در یک جامعه سستی، پراکنده و بدون ارتباط هستند از جایی به جای دیگر تفاوت می‌کنند در هر منطقه کالاهایی و محصولات خاص را به شیوه خاص خود تولید می‌کنند و در این تولید صرفاً از امکانات محلی سود می‌برند و بندرت چیزی (مواد اولیه، ابزار روش‌ها و...) را از خارج از منطقه دریافت می‌کنند. تبدیل و مبادله کالاهای تولید شده هم تنها با شیوه‌های مرسوم محلی و در شعاع محدود محلی صورت می‌گیرد.

به‌طور کلی در جوامع سستی همه چیز از گذشته و از پدران نشأت می‌گیرد و زندگی حال برپایه گذشته بنا می‌شود و همه نیازها از امکانات موجود محلی تأمین می‌شود چون در جوامع سستی به دلیل ضعف وسایل ارتباطی نمی‌توان با مناطق دور به راحتی تماس و ارتباط داشت لذا جوامع به ناچار به واحدهای کوچک^۱ و بی‌ارتباط با هم تقسیم می‌شوند.

در چنین شرایطی که همه نهادها و سازمان‌ها در شکل سستی خود ظاهر می‌شوند و همه فعالیت‌ها به شکل سستی انجام می‌پذیرند همکاری‌ها نمی‌تواند خارج از این چارچوب و قاعده کلی حاکم بر جامعه عمل کنند چون در غیراین‌صورت همکاری‌ها به‌جزء یا پاره سیستم ناجوری مبدل خواهد شد و هماهنگی خود را با سایر اجزاء جامعه از دست داده و در نتیجه انسجام و استحکام کل جامعه را در معرض خطر قرار می‌دهند.

بنابراین در جامعه سستی خواه ناخواه مواجه خواهیم بود، با همکاری‌های سستی هر اندازه جامعه سستی از شکل سستی خود دور شده و خصوصیات یک جامعه جدید را به خود بگیرد به همان اندازه همه نهادها منجمله همکاری‌ها هم از صورت سستی آن دور گردیده و به همکاری‌های رسمی نزدیک خواهند شد.

ویژگی‌های همکاری‌های سستی

همکاری‌های سستی دارای خصوصیتی است که آن را از همکاری‌های غیرسستی (رسمی) متمایز می‌سازد مهمترین این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. عواملی که ابعاد این اجتماعات را تعیین می‌کند عبارتند از: یکی کیفیت و تسهیلات ارتباطی از قبیل وسائط نقلیه، پست، تلفن، تلگراف و... و دیگری موقعیت اقلیمی و جغرافیایی مثل پستی و بلندی‌ها، مراتع طبیعی از قبیل کوه‌های صعب‌العبور، آبشار... که سختی یا سهولت دستیابی مناطق مختلف به یکدیگر و در نتیجه تماس و ایجاد تجانس و همگنی میان آنها را مشخص می‌سازد.

یک. وابستگی همکاری‌های سنتی به فرهنگ جامعه:

اگر در تعریف فرهنگ از نظر مردم‌شناس انگلیسی ادوارد ب. تایلور استفاده کنیم، که نوشته: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به‌وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است»^۱. و بنابراین دو جنبه مادی (اشیاء و ابزار) و غیرمادی (افکار و عقاید و رفتارها) در فرهنگ مشخص می‌گردد. در عین حال اجزاء و عناصر فرهنگ بر هم تأثیر متقابل دارند. همکاری‌های سنتی با تمام وجوه و جنبه‌های فرهنگ یا جامعه در ارتباط هستند. این ارتباط از نوع ارتباط متقابل است، بدین معنی که از یک‌سو فرهنگ بر همکاری‌ها تأثیر می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد و از سوی دیگر همکاری‌ها نیز بر فرهنگ جامعه مؤثر واقع می‌شود و آن را دگرگون می‌سازد. ابزار و وسایل مورد استفاده در همکاری‌ها می‌گردد و ضرورت تغییر در کارکرد و انواع همکاری‌ها در یک جامعه، زمینه دگرگونی ابزار و وسایل را فراهم می‌سازد و در نتیجه فرهنگ مادی جامعه تغییر می‌پذیرد. به‌همین صورت کنش و واکنش متقابل بین همکاری‌های سنتی و بخش غیرمادی فرهنگ نیز مشاهده می‌شود اعتقادات و ارزش‌های جامعه شکل و کارکرد همکاری‌ها را مشخص می‌کنند و تغییر آنها زمینه تغییر همکاری‌های سنتی را فراهم می‌کند و از جانب دیگر زمانی که به دلیل نوع جدیدی از همکاری در جامعه ضرورت می‌یابد، همکاری جدید، عناصر تازه به فرهنگ غیرمادی می‌افزاید و یا از آن می‌کاهد. رابطه همکاری‌های سنتی با آداب و رسوم و فرهنگ جامعه رابطه‌ای نزدیک و گاه بسیار پیچیده است. بسیاری از همکاری‌ها، در عین حال از رسوم و سنت‌های جامعه هستند و به‌عبارت دیگر جزیی از فرهنگ آن به حساب می‌آیند که در این موارد تفکیک بین آداب و رسوم و همکاری‌های سنتی ممکن نیست. همکاری‌های روستاییان در لایروبی قنوات و انهار یا در کشت زمین توسط یک گروه و یا فعالیت مشترک در مراسم اجتماعی و مذهبی از این قبیل‌اند، که می‌توانند در عین حال توسط کارشناس مسائل فرهنگی و همچنین به‌وسیله متخصص تعاون مورد

۱. برای اطلاع دقیق‌تر از فرهنگ، تعریف و ویژگی‌های آن به منابع زیر رجوع کنید:

الف) دکتر محمود روح‌الامینی

ب) دکتر محمود روح‌الامینی

ج) دکتر حسین ادیبی، زمینه انسان‌شناسی، انتشارات پیام ۱۳۵۳ ص ۱۲۳-۱۰۷

مطالعه قرار گیرند و هر کدام، آن پدیده واحد را از وجوه مختلف مورد بررسی قرار دهند در برخی موارد این رابطه بسیار تنگ‌تر و نزدیک‌تر است به‌طوری که تشخیص و تمیز دو جنبه فرهنگ و تعاونی در آن به‌سختی صورت می‌گیرد.^۱

دو. حاکمیت مقررات عرفی:

بر همکاری‌های سنتی مقررات عرفی غیرمکتوب تسلط دارند. در واقع مناسبات اعضای گروه، وظایف و مسئولیت‌های آنها، روابط گروه با سایر گروه‌ها و نهادهای جامعه و... را مقررات عرفی جامعه تعیین و تنظیم می‌کند. این مقررات نیز به‌صورت رسم و عادات و سینه به سینه به نسل جدید و جوان منتقل می‌شود و مورد عمل و رعایت قرار می‌گیرد. این قوانین و مقررات ضمانت اجرایی، جز وجدان جمعی جامعه و کنترل اجتماعی موجود در جوامع سنتی را ندارد. به بیان دیگر نقض رفتار متعارف و انحراف از معیارهای جامعه در همکاری‌های سنتی، نه به‌دست مامورین و نهادهای رسمی قضایی و به استناد مقررات و مکتوب و قوانین وضعی، بلکه توسط عوامل نامریی و فشارهای غیرقابل رؤیت و یا به‌وسیله داوری ریش‌سفیدان و معتمدین، صورت می‌گیرد. این مقررات و قوانین عرفی نیز جزیی از فرهنگ غیرمادی جامعه است که ارتباط بین فرهنگ جامعه و همکاری‌های سنتی رایج در آن را با روشنی بیشتری نشان می‌دهد.

سه. اختلاف همکاری‌های سنتی:

همکاری‌های سنتی همانطور که بیان شد وابسته به فرهنگ جامعه و متکی بر قوانین عرفی هستند که قوانین فوق خود وابسته و جزیی از فرهنگ جامعه‌اند از آنجا که در جوامع سنتی، آداب و رسوم و سنت‌ها از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت می‌کند، بنابراین همکاری‌های سنتی آنها نیز مختلف و متفاوت هستند. به‌طوری که بندرت

۱. مثلاً مراسمی که به‌هنگام ازدواج صورت می‌گیرد وجوهی توسط میهمانان به زوج جوان پرداخت می‌شود از این قبیل است که هم به‌عنوان سنت و آداب و رسوم جامعه شناخته می‌شود و هم نوعی همکاری است که برای تأمین هزینه‌های ازدواج و همچنین تهیه وجوه لازم برای شروع زندگی مشترک زوج می‌باشد. این همکاری برخلاف سایر موارد مشابه در یک مقطع زمانی صورت نمی‌گیرد، بلکه در طول زمان گسترده می‌باشد، امروز زوج جوان از خانواده‌هایی که قبلاً ازدواج کرده‌اند، وجوهی را دریافت می‌کنند (که خود آنها در مراسم ازدواج از خانواده‌های قبلی دریافت کرده‌اند) و در سال‌های بعدی، در مراسمی که در سال‌های پیش رو توسط آشنایان آنها برگزار می‌شود، به زوج‌های آینده می‌پردازند.

می‌توان اشکالی از تعاون سنتی را یافت که در نواحی مختلف یک کشور، کاملاً مشابه باشند. در برخی موارد ممکن است در بعضی از وجوه کلی تشابهاتی در بین آنان ملاحظه شود، ولی این موارد کم و استثنائی هستند و در عین حال جنبه‌های اختلاف اساسی و مهمی نیز بین آنها مشاهده می‌گردد. این مسئله همانطوری که در صفحات قبلی توضیح داده شد ناشی از همان پدیده پراکندگی و ضعف ارتباط مناطق و مراکز جمعیتی در جوامع سنتی است که اجازه نداده است تجانس و همشکلی بین همکاری‌ها، مثل سایر فعالیت‌ها و جنبه‌های زندگی این نوع جوامع، به‌وجود آید.

چهار. موردی بودن همکاری‌های سنتی:

پیدایش همکاری سنتی از شکل و الگوی مشخص و معینی پیروی نمی‌نماید. این همکاری‌ها به صورتی خاص برای هر نیاز و هر مورد خاص به‌وجود می‌آید. به همین دلیل است که اشکال همکاری‌های سنتی بسیار متعدد و متنوع هستند، لذا امکان دسته‌بندی آنها و قراردادنشان در گروه‌های بزرگ آن طوری که در مورد همکاری‌های رسمی انجام شده است^۱، وجود ندارد.

پنج. غیرمستمر بودن همکاری‌های سنتی:

تعداد بسیار زیادی از همکاری‌های سنتی به‌صورت یک رابطه دائمی و مستمر بین افراد یک گروه باقی نمی‌ماند، بلکه معمولاً مدت نسبتاً کوتاهی و برای انجام فعالیت اقتصادی مشخصی شکل می‌گیرد و پس از رسیدن به هدف مورد نظر تا دوره بعد و یا برای همیشه از بین می‌رود این ویژگی ناشی از ماهیت زندگی سنتی و نوع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و شکل و طبیعت نیازهای این گونه جوامع می‌باشد. برخی از این همکاری‌ها به تبع همین وضعیت فصلی می‌باشند. در فصل فعالیت، همکاری مربوطه شکل می‌گیرد و با پایان دوره به اتمام می‌رسد.^۲

۱. همکاری‌های رسمی یا شرکت‌های تعاونی در چند گروه اصلی، براساس یک تقسیم‌بندی کلی قرار گرفته‌اند که عبارتند از تعاونی‌های مصرف، تعاونی‌های مسکن، تعاونی‌های اعتبار، تعاونی‌های تولید، و...

۲. مثلاً همکاری‌هایی نظیر بندسار در روستاهای بیرجند، بنه و حراثه و صحرا در مناطق مختلف ایران، همکاری در مراسم اجتماعی و مذهبی و بسیار موارد و نمونه‌های دیگر، موردی و کوتاه مدت بودن همکاری‌های سنتی را نشان می‌دهد.

شش. ابعاد کوچک گروه:

در همکاری‌های سنتی تعداد افرادی که با یکدیگر همکاری می‌کنند معمولاً کم و انگشت‌شمار است. به همین دلیل روابط بین آنها نزدیک و چهره به چهره است و سایر خصائص گروه‌های کوچک اجتماعی نظیر آشنایی و آگاهی وسیع و عمیق از وضع یکدیگر و حتی اطلاع از مسائل نسبتاً خصوصی اعضای گروه و... در مورد همکاری‌های سنتی نیز مصداق دارد.

از عمده‌ترین دلایل کوچکی گروه در همکاری‌های سنتی به دو نکته مهم باید اشاره کرد:

اول: اینکه نوع معیشت و شرایط اقتصادی و اجتماعی زندگی آنها به‌صورتی نیست که به همکاری افراد در گروه‌های بزرگ نیاز داشته باشد، مثلاً در بندسار کافی است چند نفر (معمولاً ۴ تا حدود ۸ نفر) در آماده‌سازی زمین و کاشت و داشت و برداشت با هم کمک کنند.

دوم: جامعه قابلیت‌ها و امکانات و روش‌های لازم برای مدیریت و تنظیم کار و روابط یک گروه بزرگ را ندارد. مثلاً روش‌ها و ابزار مناسب برای تنظیم مناسبات تعداد زیادی افراد، یا تقسیم کار دقیق بین آنها و... وجود ندارد در حالی که در یک کارخانه بزرگ یا تعاونی بزرگ در یک جامعه جدید، روش‌هایی مثل حسابداری، انبارداری، سیستم بایگانی، و سایر تکنیک‌های جدید مدیریت، اصول سازماندهی، قابلیت‌هایی مانند باسوادی و ابزاری مانند ماشین حساب، کامپیوتر و... اداره واحدهای بزرگ را به‌صورتی کارآمد و دقیق امکان‌پذیر می‌سازد.

«همکاری‌های متقابل گروهی در راه تأمین معیشت شیوه‌ای بسیار قدیمی است جوامع از زمان‌های بسیار کهن به هنگام برداشت محصول به‌کار دسته‌جمعی می‌پرداختند و یا در مسئله دامداری، یکی از اعضای خود را به‌عنوان چوپان برمی‌گزیدند تا به نوبت احشام خانواده‌های مختلف را به چراگاه ببرد. گاهی از این هم پیش‌تر رفته و مثلاً در بین‌النهرین و یا در محل فعلی کشور هند در قرون وسطی هر جا

مثلاً شرکت تعاونی مصرف به‌عنوان یک همکاری رسمی در سال ۱۸۴۴ میلادی توسط یک گروه ۲۸ نفری از کارگران صنایع نساجی شهر راجدیل در اسکاتلند، در انگلستان تأسیس شد و یا شرکت تعاونی اعتبار برای اولین بار تقریباً همین زمان در آلمان توسط رایفایزن در روستاها و به ابتکار شولتزولپج در شهرها ایجاد گردید.